

جستاری درباره موسیقی و معیارهای آن در اسلام*

حجت الاسلام دکتر حمید فغفور مغربی**

عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۷/۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۴/۲)

چکیده:

موسیقی همچون هنر برخاسته از لایه‌های درونی آدمی و بلکه یک نیاز روحی است و مانند هر هنری می‌تواند مبتذل یا متعهد باشد. موسیقی علمی از یونان باستان وارد ایران شد که ارسطو آن را به عنوان شاخه‌ای از ریاضیات می‌دانست و فیلسوفان مسلمان نیز آن را پذیرفتند. البته علاوه بر قواعد علمی، ذوق و عاطفه نیز در پیدایش آن دخالت دارد و هنر نیز محسوب می‌شود. موسیقی ترجمه واژه Music انگلیسی که در فارسی معادل آهنگ می‌باشد و غنا را خواندن با آهنگ می‌گویند که همان موسیقی آوازی است. موسیقی ترکیب (composition) الحان جمع لحن و یا ملودی (Melody) و الحان به نغمه‌ها (Note) و نت‌های دارای ریتم (Rhythm) هماهنگ است. رابطه اسلام با هنر و موسیقی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین موضوعات است. در قرآن واژه غنا و موسیقی به کار نرفته ولی آیاتی وجود دارد که در روایات یکی از مصداق‌های آن را "غنا" دانسته‌اند. لغویون غنا را "آواز خوش و طرب انگیز" دانسته‌اند و فقها و مفسران قرآن آن را صدای لهنوی مناسب مجالس اهل فسوق دانسته‌اند که حرام می‌باشد. بسیاری از علما تصریح کرده‌اند که غنا بر حسب معنای لغوی و در عرف از غنای حرام یعنی غنا در شرع وسیع‌تر است. موسیقی با شرایطی حرام و با شرایطی حلال می‌باشد. در این مقاله به توجه به آیات و روایات و دیدگاه مفسران و عالمان و اسلام‌شناسان با رویکردی کاربردی معیارهای موسیقی بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی:

موسیقی، غنا، اسلام (شرع)، لهنو، طرب، عرف عام.

* بر گرفته از رساله دکتری (سطح ۴) تحت عنوان: "الغنا والموسیقی" از حمید فغفور مغربی که در سال ۱۳۸۴ در حوزه علمیه قم به انجام رسیده است.

** تلفن: ۰۲۱-۲۲۵۵۸۰۳۸، نمابر: ۰۲۱-۲۲۴۰۱۰۶۱، E-mail: hfmaghrebi@yahoo.com

مقدمه

اسلام با نگاهی کاربردی کدام است؟
اسلام هنر اصیل و متعهد همچون موسیقی را مورد تأیید قرار داده است،
اسلام با هنر و موسیقی مبتذل مخالف است در این مقاله معیارهای موسیقی از
منظر اسلام و اسلام شناسان بررسی شده است.

را از آنان اقتباس کردند. پس از آنکه کشورهای غربی مسیحیت را طی چهار
قرن اول میلادی پذیرفتند، همزمان موسیقی نیز با ترویج و توسعه سروده‌های
مذهبی تکامل پیدا کرد (روشن‌روان، ۱۳۷۶، ۲).

بعدها با تأثیر تمدن یونانی بر تمدن ایرانی، موسیقی در ایران تکامل یافت.
بنابر نوشته مورخان تاریخ مثل هردوت و گزنفون، ایرانیان باستان برای
مردگان و نیز در جنگ‌ها از نوعی آواز و موسیقی استفاده می‌کرده
اند (شعبانی، ۱۳۵۲، ج ۱، ۲). جشن و سرود ملی ایرانیان همواره با سرود و
موسیقی دسته جمعی همراه بوده (جنیدی، ۱۳۷۲، ۱۱۸) که در دوره
ساسانی درخشش فوق العاده‌ای داشته است. اعراب پیش از اسلام با
موسیقی و سایر هنرهای زیبا چندان آشنا نبودند و تنها در سرودن شعر و
ساختن قطعات منظوم تبحر داشتند، آنان هنگامی که هنوز چادر نشین بودند،
موسیقیشان محدود به آوازهایی بود که برای تهییج و تحریک شترها به کار
می‌بردند و اصطلاحاً به آن "حدی" می‌گفتند (مسعودی، ج ۱، ۹۰).

در هر حال اعراب دارای نوعی موسیقی بوده‌اند و تاریخ جنگ‌های پیامبر با
مشرکین نشان می‌دهد که مشرکین قریش برای تحریک جنگجویان از نوعی
موسیقی استفاده می‌کرده‌اند (آیتی، ۱۳۶۲، ۳۱۵).

ابوالفرج اصفهانی در کتاب "الآغانی"، مسعودی در "مروج الذهب" و ابن
خلدون در "مقدمه تاریخ" خود ورود موسیقی به دربارهای اموی و عباسی را
از موسیقی ایران می‌دانند. ایرانیان تجربه طولانی در موسیقی داشته‌اند. در
دوره ترجمه، موسیقی علمی از یونانی ترجمه شده، به تدریج موسیقی ایران و
اعراب برمبنای علم موسیقی کامل تر گردید (شعبانی، همان).

جالب است بدانیم پس از بعثت پیامبر اکرم (ص) موسیقی غنایی لهوری
متداول بین استفاده کنندگان آن از پیشرفت باز ایستاد و سیر نزولی یافت و
موسیقی جدیدی بدون اختلاط با فعل حرام رواج یافت. اما با روی کار آمدن
امویان و سپس عباسیان، موسیقی غنایی لهوری بار دیگر با افعال حرام همراه
شد و در مجالس بزم و میگساری و نیز اجتماع مردان و زنان فاسد رواج یافت.
موسیقی احساسات را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، دارای جنبه‌های
منفی و مثبت است، گرایش به جنبه‌های منفی آن، جایگاه خود را در دربار
شاهان و خلفا بیشتر باز کرد. در دوران بنی امیه، از زمان معاویه چهره مبتذل
موسیقی شکل گرفت و کار به جایی رسید که ابن عباس به یزید پرخاش کرد و
او را به خاطر اینکه پیوسته با زنان خواننده و نوازنده اوقات خود را می‌گذراند،
نکوهش نمود (یعقوبی، ۱۳۶۶، ج ۲، ۱۸۸).

ابونصر محمد بن فارابی، فیلسوف ایرانی خراسانی چندین کتاب "کلام فی
الموسیقی" و "الموسیقی الکبیر" در موسیقی علمی نوشته است. این سینا نیز
دو رساله در مورد موسیقی نوشته که یکی به زبان عربی بوده و جزئی از کتاب

یکی از موضوعات مهم که می‌تواند از چالش‌های جدی اسلام و نظام اسلامی
باشد موضوع هنر و به ویژه موسیقی است، رابطه اسلام با هنر به ویژه با
موسیقی چیست؟ بی‌توجهی به این موضوع باعث گسترش موسیقی مبتذل
شده است. معیارهای موسیقی حلال و حرام بر اساس قرآن و سنت چیست؟
دیدگاه عالمان و اسلام شناسان چیست؟ جمع بندی نهایی این موضوع از منظر

چیستی هنر

هنر برخاسته از فطرت زیبایی دوستی انسانهاست. در انسان گرایش به
جمال و زیبایی وجود دارد؛ چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی
آفرینی که نامش "هنر" است و به معنی مطلق وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۰، ۸۰).
هنر ترکیبی از خلاقیت، ابتکار، احساس و اندیشه که پدیده‌های جهانی و بشری
است و قادر به ارتباط با همه انسان‌ها از هر قوم و ملت می‌باشد. در عصر حاضر
آثار هنری هر ملتی مانند شعر، موسیقی، نقاشی، خوشنویسی، مجسمه سازی،
معماری، گرافیک، سینما، تئاتر و... نشان دهنده میزان رشد و چگونگی فرهنگ و
تمدن آن ملت به شمار می‌رود.

در تعریف هنر دیدگاه‌های گوناگون مطرح شده است (تولستوی، ۱۳۷۳).
افلاطون زیبایی را حقیقتی از عالم بالا می‌داند (افلاطون، ۱۳۴۸، ۹۶). و
تولستوی هنر را سرایت دادن و اشاعه عاطفه می‌داند (تولستوی، ۱۳۷۳، ۵۷).
و بعضی آن را خلق زیبایی دانسته‌اند (دانشور، ۱۳۵۷، ۳۰). در تعریف
مشترک و در عین حال جامع می‌توان گفت "هنر بیان زیبا و متعالی احساس، عاطفه
و اندیشه انسانی است" (ابراهیمی، ۱۳۷۸، ۷). نمودهایی چون تناسب و توازن،
خلاقیت، احساس، عاطفه و اندیشه در آن به کار رفته است (قندی، ۱۳۷۸،
۱۶۰). و بیشتر، کار دل است. هنر زبان خاص خود را دارد همچنان که فلسفه،
ریاضی و... چنین است. هنر یک نیاز روحی و درونی و برخاسته از عمق درون
آدمی است و همچنین هنر دارای پیام است. دوران تاریخی و اجتماعی و سیاسی
نقش مهم در تحولات هنر داشته است.

تاریخچه مختصر موسیقی

موسیقی به مفهوم عام آن از نظر زبان شناسان همان نظام آوایی کلام است که
در زبان فارسی و عربی آن را زیر و زبر و در انگلیسی Phonetic system نامیده
می‌شود که آن را موسیقی کلام می‌نامند و بدون استفاده از نظام موسیقایی
زبان، کاربرد زبان و صحبت کردن امکان پذیر نیست. جنبه موسیقایی زبان
صرفاً برای زیبایی و لذت بخشی زبان نیست، بلکه عامل انتقال مفاهیم و
احساسات به مخاطب نیز می‌باشد.

موسیقی به معنای خاص را انسان ابتدایی از طبیعت آموخت. صدای آبشار،
ریزش باران، رعد و برق و وزش باد از میان برگ‌ها، آواز پرندگان، صدای امواج
دریا و هزاران صدای دیگر بزرگ‌ترین الهام بخش انسان برای ساختن و به وجود
آوردن موسیقی بوده‌اند (روشن‌روان، ۱۳۷۶، ۱).

موسیقی علمی از هشت قرن قبل از میلاد در یونان وجود داشت و قواعدی نیز
برای آن پایه گذاری گردید. رومی‌ها که در تمدن وارث یونانی‌ها بودند، موسیقی

مسلم و تغییرناپذیر نیست و ذوق و قریحه سازنده و نوازنده هم در آن دخالت تام دارد، آن را هنر نیز محسوب می‌دارند.

نغمه نگاری، در آثار کندی در مورد موسیقی مشاهده می‌شود و نغمه‌ها را با حروف ابجد از الف تا کاف نشان می‌دهد است بعدها فارابی موسیقی شناس ایرانی در اثرش موسیقی الکبیر و صفی الدین ارموی در کتاب الادوار فی الموسیقی تکمیل کرده‌اند (بینش، ۱۳۸۲، ۶).

نغمه نگاری کنونی تقلیدی از روش غربی است از اواخر دوران ناصرالدین شاه شروع شد اکنون در اروپا از حروف الفبا استفاده می‌شود (همان).
نت‌های شهرت یافته عبارت از: دو - ری - می - فا - سول - لا - سی، می باشد.

Do - Re - Mi - Fa - Sol - La - Si

با تکامل فیزیک و شناخت فرکانس زمینه تشخیص صدا به وجود آمد در موسیقی هم مانند فیزیک نت‌ها از روی فرکانس مشخص می‌کنند اما موسیقی دانان قدیم اسلامی و ایرانی نت‌ها را از روی جایگاه آنها روی سیم (تار) مشخص می‌کردند.

موسیقی با انگیزش احساس بر روی انسان تاثیر می‌گذارد و هر احساسی یک نوع خاص از تفکر را به عنوان یکی از اجزای خود در بردارد. البته نوع تفکر در هر احساس، با نوعی تفکر در احساسی دیگر متفاوت است. هر احساسی در نهایت موجب رضایت یا نارضایتی، خوشحالی یا ناراحتی است (رفیع پور، ۱۳۷۵، ۱۰). متخصصان اعصاب از نظر بیولوژیکی احساس را عکس العمل تحریک سیستم اعصاب (سمپاتیک و پاراسمپاتیک) می‌دانند.

موسیقی خود به وجود آورنده و تحریک‌کننده احساسات و عواطف انسانی است؛ حال اگر پیدایش احساس و عاطفه همراه با درکی از موسیقی باشد، آن را هنر موسیقی شناسی و زیباشناسی می‌نامند.

موسیقی شناسان معتقدند که احساس باید بر پایه تعقل و تفکر و معرفت باشد، و تنها موسیقی قادر است بر قلوب تاثیر بگذارد که از اعماق روح هنرمند تراوش کرده باشد (ن کولوسووا، ۱۳۶۵، ج ۲، ۲۲).

چایکوفسکی می‌گوید: "بلی من به زبان موسیقی سخن می‌گویم، برای اینکه همیشه چیزی برای گفتن دارم" (همان).

نگاهی به موسیقی ایرانی

موسیقی ملی ایرانی موسیقی علمی است و سهم عمده‌ای فارابی، ابن سینا، صفی الدین ارموی و عبدالقادر مراغه‌ای داشته‌اند (بینش، ۱۳۷۶، ۳). بین موسیقی عملی و نظری در ایران فاصله و شکافی نیست (همان). و به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: موسیقی سنتی و موسیقی تلفیق شده با موسیقی غربی؛ و موسیقی سنتی خود به سه بخش مجزا تقسیم می‌شود:

۱) "موسیقی اصیل" که گاه به آن "موسیقی ردیف" و "موسیقی هفت دستگاه" می‌گویند. این موسیقی شامل هفت دستگاه (شور، سه‌گاه، چهارگاه، همایون، پنجگاه، ماهور، نوا) است.

این موسیقی با سازهای تار، سه‌تار، کمانچه و... نواخته می‌شود و ممکن است به شکل تک‌نوازی، هم‌نوازی، تکخوانی، خواندن غزل یا بدون آن صورت گیرد. موسیقی اصیل ایرانی پیوند بسیار نزدیکی با شعر و ادبیات فارسی دارد. این موسیقی از نظر ارزش هنری به سه نوع تقسیم می‌شود: نوع عالی، نوع متوسط، نوع کوچه بازاری یا مطربی.

مخاطبان نوع عالی، صاحب‌دلان و اهل فن بوده‌اند و گاه درباریان نیز تظاهر به آن می‌کرده‌اند. در سرودن این گونه موسیقی بیشتر از غزلیات

شفا است و دیگری رساله‌ای در "دانشنامه علایی" به زبان فارسی است. زکریای رازی، ابوالفرج اصفهانی، محمد غزالی، خواجه نصیر طوسی عموماً علم موسیقی را مورد بررسی قرار داده‌اند، بعدها صفی الدین ارموی موسیقی را به صورت نت درآورد. در واقع باید گفت که قرن سوم تا هفتم هجری پربرترین دوره موسیقی علمی در ایران به شمار می‌رود (روشن‌روان، ۶).
بعدها موسیقی در دوره صفویه و قاجاریه تحولاتی داشته است. در دوران جدید موسیقی سنتی ایرانی و عربی تاثیر فراوانی از موسیقی غربی پذیرفت. البته موسیقی کلاسیک و جدید غربی یکسره موسیقی مبتدل نیست، مانند سمفونی‌هایی که حاکی از عمق عواطف انسانی می‌باشد.

موسیقی چیست؟

موسیقی را با تعبیری نظیر علم صداها، یا صداهایی که دارای ریتم، ملودی یا آهنگ و ساخت هستند، تعریف کرده‌اند. موسیقی ترجمه واژه Mousike یونانی است که معادل آن در زبان انگلیسی Music است. در زبان فارسی واژه "آهنگ" برای آن به کار برده می‌شود.

با تاسیس بیت‌الحکمه در زمان عباسیان و نهضت ترجمه واژه موسیقی راه یافته و جایگزین واژه غنا عربی شده است (بینش، ۱۳۸۲، ۳). واژه موسیقی در آثار فارابی، ابن سینا، خوارزمی و رسایل اخوان الصفا آمده است. "الموسیقی معناه تالیف الالحان و اللغه یونانیه" (الخوارزمی، ۱۳۴۲، ۱۳۶). تالیف همان ترکیب (composition) و الحان جمع لحن، ملودی (Melody) می‌باشد و نیز "ان الموسیقی هی الغنا" (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ق، ۱۸۸). که در عربی الغنا دو مفهوم فعلی Sing و اسمی Song ناظر به موسیقی آوازی است.

در عصر حاضر واژه موسیقی به معنای صدای ابزارهای موسیقی و غنا آواز همراه با موسیقی می‌باشد. از واژه های هم خانواده موسیقی، موسیقور و موسیقار که خوارزمی آنها را "سمی المطرب و مولف الالحان". یعنی موسیقی‌دان Musician و آهنگ ساز دانسته است (الخوارزمی، ۱۳۶۲، ۱۳۶) و نیز موسیقات که رسائل اخوان الصفا آن را ابزار موسیقی دانسته است "الموسیقات هی الة الغناء" (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ق، ۱۸۸).

در تعریف موسیقی یا آهنگ چنین آمده است: گروهی از نت‌ها (Note) نغمه‌های پی در پی با نظم معین و گاهی به گروهی از نتها که به منظور همگامی با حروف، الفاظ و کلمات یک شعر که برای بیان یک معنی و مقصود خاص بنا بر قواعد جاری زبان ترکیب شده‌اند، اطلاق می‌گردد (برکشلی، ۱۳۵۷، ۵). ولی اکنون محققان واژه موسیقی را صدای ابزار و غنا را خواندن با آهنگ (خوانندگی) می‌گویند ضرب یا ایقاع همان واژه ریتم Rhythm است. موسیقی را می‌توان ترکیب الحان (ملودی) و الحان به نغمه‌ها (نتها) و نتهای دارای ریتم یا هماهنگ دانست (اخوان الصفا، ۱۳۷۴، ج ۱، ۸۸).

عنصر اصلی موسیقی، صوت و زیر و بم اصوات است که در اثر نسبت‌های ریاضی پیدا می‌شود. از طرفی تمام قواعد موسیقی به گونه‌ای است که به ذوق و قریحه سازنده هم مربوط می‌شود و به همین جهت آن را هنر می‌نامند (خالقی، ۱۳۷۷، ۱۶۴).

زبان عبارت از ترکیب حروف و کلمات و جمله‌ها، و موسیقی ترکیب اصوات و صداها است. محققان معتقدند زبان زیربنای هر موسیقی است (مسعودیه، ۱۳۶۵).

ارسطو موسیقی را یکی از شعب ریاضی می‌دانست و فیلسوفان مسلمان نیز این فرمول را پذیرفتند، ولی از آنجا که همه قواعد موسیقی مانند ریاضی

رشد یافته است و مایه های عرفانی و معنوی دارد و دارای جنبه های اشرافی است.

۳) موسیقی کلاسیک: این موسیقی در دوران جدید اروپا از قرن هفدهم به بعد پا به عرصه وجود نهاد و شخصیت هایی چون بتهوون و باخ و موتسارت از جمله نمایندگان آنند. موسیقی کلاسیک در بردارنده حالت های متنوع فراوان، متلاطم و پیوسته دگرگون سازنده است و تغییر حالت در آن تدریجی یا ناگهانی می باشد از جمله موتسارت و بتهوون می توانستند اثری با حالت های بس متنوع را از انسجام و ساختار منطقی برخوردار سازند (راجر، ۱۳۷۷، ۳۰۲ و ۳۰۳).

موسیقی کلاسیک غرب که قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ را در بر می گیرد از این جنبه قابل توجه است که پیوند بیشتری با موسیقی مذهبی دارد و بخشی از آن برانگیزاننده احساسات مثبت و روحانی است. همچنین این موسیقی وسیله رشد شخصیت فردی و جمعی و جنبه روحانی است.

موسیقی های سمفونی از جمله موسیقی های کلاسیک است که احساسات درونی را بیان می نماید. بتهوون نخستین کسی بود که احساسات درونی خود را در سمفونی هایش ارائه نمود. بتهوون می گفت در سمفونی خود هارمونی عالم را می شنوم و ترجمه می کنم.

سمفونی چایکوفسکی داستان تراژدی زندگی انسان را بیان می کند که عمیقاً احساس می کند به روشنی می اندیشد، با مصائب می ستیزد، به آینده روشن امید دارد و خوشی و سعادت را نه تنها برای خود، بلکه برای هموطنان خویش می طلبد (نکولوسووا، ۱۳۶۵، ص ۸۹). سمفونی ممکن است موزیکی باشد که انسان را به رقص و پایکوبی وادارد مانند سمفونی کارناوال ساخته شومان (همان، ۹).

۴) موسیقی مدرن و معاصر: این موسیقی در دهه های اخیر نمود بیشتری یافته است (خالقی، ۱۳۷۳، ۱۶۴).

در اوایل قرن ۱۹ میلادی، موسیقی رمانتیک که دارای احساسات لطیف تر و محتوای مردمی تر داشت پیدا شد. بعدها موسیقی رمانتیک خیال پردازی را وسعت داده و احساسات لطیف تر و گویاتری را به وجود آورد (روشن روان، ۱۳۷۶، ۶). سپس موسیقی نئو کلاسیک شامل اپرا (گروه همخوان به همراه آواز) باله (رقص) شکل گرفت (نکولوسووا، ۱۳۶۵، ۲۲).

امروزه موسیقی الکترونیک امکانات بسیار وسیعی دارد و تنوع فراوانی را بوجود آورده است.

موسیقی پاپ در قرن ۲۰ میلادی (دهه ۱۹۶۰) جهانی شد. این موسیقی به علت تحرک زیاد و ریتم های بسیار هیجان انگیز، مقبولیت شدید به ویژه در میان جوانان پیدا کرد و حتی به فیلم ها کشیده شد و به آنها جاذبه داد.

موسیقی جاز و موسیقی روز از تکرار بسیار برخوردار شده ولی سطحی شده است. در دوره معاصر عموماً موسیقی های جاز تحریک کننده امیال دنیوی و شهوانی است.

غنا از دید گاه اسلام و عرف

با مراجعه به قرآن ملاحظه می کنیم که واژه "غنا" مستقیم به کار نرفته، ولی آیاتی وجود دارد که در روایات یکی از مصداق های آن را به "غنا" نسبت داده اند؛ از جمله در آیاتی که لهو الحدیث، لغو و قول زور آمده، با غنا همراه شده است. آیه "و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله... بغير علم و تتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهین" (لقمان، آیه ۵). عده ای از مردم خریدار سخنان

عارفانه حافظ، سعدی، مولوی استفاده می شود. (مانند وزیری و صبا و شجریان و قوامی و ناظری)

مخاطبان نوع میانه یا متوسط، مخاطبان رادیو و تلویزیونی این آثار بوده اند که در آن بیشتر از غزلیات معمولی ساده و روان استفاده می شود (مانند ایرج، سراج).

مخاطبان نوع سوم، مردم عامی و معمولی اند که در جشن ها و عروسی ها آن را به کار می برند و بسیار ساده و گاه سطحی بوده است (مانند روحبخش).

۲) "موسیقی بومی یا تقریباً محلی ایرانی": موسیقی محلی محدود تر از بومی است، این موسیقی مربوط به روستاها و ایلات و عشایر و قبایل است، مانند موسیقی های کردی، آذری، ترکمنی، لری، خراسانی و... این موسیقی بر اساس ذوق و استعداد افراد عامی و عادی است که وسیله تسکین آلام و کاهش فشارهای اجتماعی به شمار می رفته یا آرزوها و عشق ها و ناکامی ها و جلوه های گوناگون زندگی های ساده و طبیعی را در خود متبلور کرده آنچنان مورد پسند واقع شده که سال ها و قرن ها استمرار یافته است (بینش، ۱۳۸۲، ۱۰۰). که خود به دونوع موسیقی محلی داخلی و موسیقی محلی مرزی تقسیم می شود موسیقی بومی و محلی در قلمرو شاخه ای از فرهنگ و هنر قرار می گیرد که فولکور که معنای فرهنگ عامه و مجموعه افکار آداب و رسوم و سنت های قومی است می باشد (همان). ویژگی های موسیقی بومی ساده و بی پیرایه و شفاهی بوده است موسیقی بومی جویبار هایی بوده که به موسیقی اصیل ریخته است.

۳) "موسیقی مذهبی": همه دین ها و مذاهب در جهان دارای موسیقی خاص خود هستند؛ به طوری که بسیاری از محققان دین را زادگاه اصلی موسیقی دانسته اند و نمونه بارز موسیقی مذهبی در ایران، در موسیقی عاشورایی و نوحه خوانی، موسیقی خانقاهی یا موسیقی عرفانی است (خالقی، ۱۳۵۲، ج ۲). از ابتدای شکل گیری هنر تعزیه در قالب نمایش موزیکال چارچوب اصلی موسیقی آن، متکی به اصلی ترین الحان شناخته شده موسیقی ردیفی ایران یا موسیقی به اصطلاح دستگاهی بوده است.

۴) "موسیقی تلفیقی": که خود بخش های مختلفی دارد. در سده اخیر نوعی موسیقی تلفیقی پیدا شده است که خود نیاز به شناخت موسیقی غربی دارد، مانند موسیقی ارکستری، مارش های نظامی، موزیک های متن فیلم. موسیقی مادون هم شکل گرفت که موسیقی لاله زاری می نامیده اند و در کاباره ها استفاده می شد.

در ایران باستان نوعی موسیقی ارکستری وجود داشته است، تلفیق مناسب با موسیقی غربی می تواند عامل رشد موسیقی ایرانی باشد ولی افراط در آن و تقلیدی بودن آن می تواند خطری برای فرهنگ بومی و تقویت فرهنگ غربی در جامعه به شمار آید.

۵) "موسیقی وارداتی": مانند موسیقی پاپ، جاز و موسیقی روز غرب می باشد. گرایش به موسیقی غربی به دلیل عدم توجه به موسیقی اصیل ایرانی ممکن است گسترده تر گردد.

نگاهی به موسیقی غربی

موسیقی در غرب مانند تاریخ تحولات اجتماعی آن و نیز تحولات فرهنگی- فلسفی آن مراحل را طی کرده است و به چند بخش تقسیم می شود:

۱) موسیقی قدیم: در دوران تمدن یونان و روم باستان که بیشتر جنبه تئوریک و نظری آن پیشرفت کرده بود.

۲) موسیقی قرون وسطا: در این دوران بیشتر موسیقی مذهبی و کلیسایی

تناسبی که دارد، شأنیت و قابلیت ایجاد طرب را برای عموم مردم داشته باشد. صدای نازک و زیبا، صدایی است که خشن (گوش خراش) و ناپسند و تنفر آور نباشد و منظور از شأنیت اطراب نیز آن است که صوت خوش لازم نیست بالفعل و بلافاصله موجب طرب شود، چه حصول حالت طرب، تدریجی و به مرور صورت می پذیرد و بسا با یک شعر و دو شعر پدید نیاید، مانند آنچه در باره "مسکر" گفته شده که زیادش مست کننده است ولی کم آن نیز - گرچه مست آور نیست - ولی حرام است، زیرا شأنیت اسکار را دارد و این حرمت با مسکر نبودن اندک خمر، منافاتی ندارد، چه حکم به طبیعت موضوع تعلق گرفته است و ماهیت "غناء" نیز چنین است و طرب آور نبودن فعلی بعضی از مصادیق آن، با حرمت اصل غناء منافاتی ندارد. غناء تنها صوت لهوی و باطل نیست چنان که آوازهایی که در مجالس فساد و قمار خوانده می شود، ارتباطی به ماهیت غناء ندارد و نیز روش شد که غناء از مقوله صوت و یا کیفیت صوت است نه کلام و قول، خواه در پیدایش آن (غناء) ، گفتار باطل و بیهودهای به کار گرفته شود، خواه سخن صحیح و یا حکمتی در آن گفته آید و حتی قرآن و یارثای ستم دیده های تغنی گردد، در هر صورت اگر صدا، نازک، نرم، دلنشین، باطراوت و مطبوع (و متناسب با تنهای موسیقی) باشد و موجب طرب گردد، غناء به شمار می آید (همان).

امام خمینی مانند اکثر فقهاء و مفسران قرآن در حرمت غناء به آیات و روایاتی استناد کرده اند از جمله آیه کریمه "واجتنبوا قول الزور" که روایاتی در تفسیر این آیه وارد شده که "قول زور" را به غناء تفسیر نموده است. مانند صحیح هاشم از امام صادق (ع) و روایت زید الشحام و ابی بصیر و دیگران.

عبارت "قول زور" در گفته باطل مانند دروغ، شهادت باطل و افتراء، نه صوت ظهور دارد و حال آنکه گفتیم غناء از مقوله صوت یا کیفیت صوت است نه کلام و قول. در اینجا قرائن عقلی حکایت از آن دارد که "غناء" از مقوله "قول" نیست، در این صورت یا باید از ظاهر اخباری که دلالت بر غناء و قول زور دارند و بر تمام مصادیق آن (غناء) صدق نموده و قابل حمل است، چشم پوشید و آن را بر موارد خاصی صادق بدانیم و یا بر عکس، ظاهر آنها را حفظ و بر غنای حرام حمل کنیم. بنابراین، اگر "قول زور" (کلام باطل) با کیفیتی خاص اظهار گردد، مصداق "غناء" است. به عبارت دیگر، قول (موصوف) و زور (صفت) با یکدیگر متحدند و این "زور" اگر با کیفیتی خاص (غناء) ظاهر گردد، همان کیفیت تماماً مصداق "قول زور" در آیه شریفه قرار می گیرد (همان).

امام خمینی نیز در تفسیر "لهو الحدیث" می نویسد روایات چندی وارد شده که آن را به غناء تفسیر کرده اند، و همان استدلالی که در مورد صدق "قول زور" بر غناء گفته آمد، در مورد لهو الحدیث هم صادق می دانند (همان، ۱۹۹).

عالمان دینی عموماً لهوی بودن غناراً موجب حرمت می دانند (نجفی و انصاری) ولی بعضی لهوی و مطرب بودن را موجب حرمت دانسته اند (امام خمینی).

در معنای لهو شاید دقیق ترین معنا همان سخن مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر ارزشمند "المیزان" نوشته است، می باشد: "کلمه لهو به معنای هر چیزی که آدمی را از مهمش باز بدارد، [است]، و لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منحرف نموده و به خود مشغول سازد مانند حکایات خرافی و داستان هایی که آدمی را به فسق و فجور می کشاند و یا از قبیل سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو است که همه اینها از مصادیق "لهو الحدیث" اند. (لیضل عن سبیل... بغیر علم) به مقتضای سیاق این است که مراد از سبیل... قرآن کریم و معارف حقه از اعتقادات و دستورالعمل ها مخصوصاً داستان های انبیا و امم گذشته بوده است" (طباطبایی، ۳۱۳). و منظور از غنای لهوی سازگاری آواز و آهنگ با مجالس فساد می باشد.

آیت... خوبی در این باره می فرمایند: "غناء برحسب معنای لغوی از غنای حرام

بیهوده اند تا بدون علم مردم را گمراه کنند و قرآن را به مسخره می گیرند. برای آنها غذای خوار کننده است آیتی که لهو و لغو به کار رفته اگر چه از آنها نکوهش کرده است ولی حرمت استفاده نمی شود.

در روایت صحیحی وارد شده است که "الغنی مما قال... عزوجل: و من الناس... (الحرالعاملی، ۱۴۰۳، ق، ص ۲۲۶)، یعنی غنا از مواردی است که خداوند در قرآن فرموده عده ای از مردم..."

در روایت صحیح دیگری آمده است: "الغنی مما وعدا... علیه النار و تلا هذه الایه" (همان)، یعنی غنا از آن مواردی است که خداوند وعده آتش داده است. آن گاه آیه فوق را تلاوت فرمود.

آیاتی نظیر آیه "واجتنبوا قول الروز"، (حج، آیه ۳۱) از سخن باطل دوری گزینید. در روایتی آمده است: "قول الزور الغنی" که منظور غنا است (الحرالعاملی، ص ۲۲۵).

در روایات صحیح و مستثقلی نیز به حرمت غنا تصریح شده است مانند "الغناء مما وعدا... علیه النار" (الحرالعاملی، ۱۴۰۳، ق، ص ۲۲۶)، غنا از چیزهایی است که خدا بر آن وعده جهنم داده است. روایات باب غنا در وسائل الشیعه حدود ۵۰ مورد است که ۱۲ مورد تصریح در مباح بودن و ۲۵ مورد بر حرمت و بقیه تصریحی ندارد. در مجموع آیات و روایات حرمت غنای لهوی قطعی است، ولی غنا در تعریف شرعی آن با غنا در عرف تفاوت دارد و فقهای بزرگ بعضی به صراحت فرموده اند غنا در عرف اعم از غنای لهوی و غیر لهوی است، ولی غنای حرام در شرع غنای لهوی است. بعضی عالمان تصریح کرده اند غنا همان موسیقی و موسیقی همان غناست (اخوان الصفا، ج ۲، ۸۸)، ولی بعضی دیگر لفظ موسیقی را بر آهنگ حاصل از ابزارهای موسیقی می دانند، یعنی هر غنا، موسیقی هست، ولی هر موسیقی، غنا نیست و کاربرد امروزی نیز همین است.

لغویون در مفهوم "غنا" مطالبی را ذکر کرده اند که عبارت است از "صدای شادی آفرین" (ابن منظور، ۱۲۰۰، ق، ۱۳۶)، "آواز خوش و طرب انگیز" (همان)، "صدای کشیده و زیبا که در گلو غلتانده شود" (قاموس اللغه، ماده غنا)، "صدایی که طرب آور باشد" (فیروز آبادی، ۱۴۰۹، ق، ۳۷۴)، و منظور از طرب "یک نوع سبکی است که از شدت شادی یا اندوه به وجود آید" (الفیومی، ۱۴۰۵، ق، ۱۹).

امام خمینی (ره) می فرمایند: "غنا صدایی که به صورت آواز در گلو بچرخاند یا آنچه در عرف غنا گویند گرچه طرب آور نباشد، صدای لهوی، صدای اهل فسق و گناه و آنچه با مجالس لهو سازگاری دارد، آنچه با آلات لهو و لعب سازگاری دارد، صدای آماده شدن برای مجالس لهو و لعب، صدای برانگیزاننده شهوت جنسی، صدای در بردارنده چرخش در گلو و طرب آور، صدایی که به گونه ای است که در اکثر مردم طرب انگیزد و طرب آن سبکی و سستی است؛ به طوری که عقل در آن حالت از بین برود، صدایی که زیبایی ذاتی دارد؛ به گونه ای که اکثر مردم را تحت تاثیر طرب خود قرار دهد" (خمینی، ۱۳۶۸، ۱۹۸).

ایشان همچنین می نویسند: اکثر اهل لغت "اطراب" را حالتی دانسته اند که انسان از شدت شادی و سرور و یا حزن و اندوه، دچار نوعی خفت و سبکی نفس می گردد.

در "المنجد" آمده است: "طرب اهتز و اضطرب فرحاً أو حزناً" یعنی از روی شدت شادی برانگیخته و هیجان زده شد و از شدت اندوه، مضطرب و آشفته گردید. شاید مقصود صاحب المنجد اهتزاز و اضطراب در روح باشد. منظور صاحب المنجد نیز از اهتزاز همان است که از شدت شادی حاصل می شود، چنانکه مراد وی از اضطراب، همان سبکی ای است که از شدت اندوه به انسان دست می دهد.

در تحلیل نهایی امام خمینی می فرمایند "بهتر است غناء را چنین تعریف کنیم: صوت رقیق و نازک انسان که (بطور اجمال) دارای زیبایی ذاتی باشد و بخاطر

وسیع تراست و همه صداهای خوش را در برمی گیرد و به همین جهت در بعضی از روایات به غنا در قرآن فرمان داده شده است" (خویی، ۱۷۹).

و نیز در پاسخ به سوالی که موسیقی کلاسیک در آرامش اعصاب موثر است و بعضی پزشکان برای درمان آن توصیه می کنند در صورتی که مناسب مجالس اهل گناه نیست، آیا شنیدن آن جایز است، می فرمایند اشکال ندارد (خویی، ۱۴۰۸ق، ۱۷۸).

از دقت در تعریف اهل لغت و نیز تعریف عالمانی چون امام خمینی (ره) از غنا و تصریح عالمانی چون آیت الله خویی فهمیده می شود که غنا در عرف بردو نوع است: نوعی صدای خوش که مانعی ندارد و نوعی صدای خوش مطرب است که موضوع حرمت شرعی قرار گرفته است. غنا در اصطلاح شرع نوعی ویژه از غنای عرفی را در بر می گیرد و به همین دلیل سفارش شده است قرآن را با غنا بخوانید. این صدای خوبی است که عرف آن مطرب نمی داند و الا اگر قرآن نیز به گونه ای مطرب خوانده شود، حرام است.

فقهائ بر مبنای فوق، آن غنا و موسیقی را که در شرع ویژگی های آن ذکر شده است، حرام اعلام کرده اند، منتهی بعضی از علما گمان کرده اند امکان ندارد در خارج غنا و موسیقی ای باشد که طرب آور و لهوی نباشد، لذا حکم به حرمت غنا به طور مطلق داده اند.

فقیه برجسته صاحب جواهر می فرماید: "از کسب های حرام غنا است که هیچ اختلافی در آن نیست، بلکه اجماع و اتفاق علما بر آن دلالت دارد و روایاتی وجود دارد که بیان کننده آن است که غنا عبارت از لغو و لهو و باطل است که در قرآن از آنها نهی شده است. بنابراین دلیل هایی از قرآن، سنت و اجماع بر حرمت غنا دلالت دارد به طوری که حتی می توان گفت از ضروریات مذهب شیعه حرمت غنا است" (نجفی، ۴۴).

شیخ انصاری نیز می فرماید: "صدای لهوی باطل، حرام است (انصاری، ۱۳۷۲، ۳۷)" و "صدای لهوی باطل در خارج در همه نمونه های غنا محقق است" (همان). به نظر می رسد این دو بزرگوار به غنا در اصطلاح شرع - که در روایات به ویژگی های آن اشاره شده است - و نیز به حرمت آن که قطعی است، توجه داشته اند، ولی عالمان دیگری به غنا از نظر عرف توجه نموده اند و حکم به تقصیل بین غنای لهوی و شهوانی و غنای غیر لهوی داده اند. از دیدگاه این علما دو نوع غنا در خارج و در عرف دیده می شود: نوعی غنای لهوی باطل و نوعی غنای غیر لهوی. از جمله این افراد محدث کاشانی است که می فرماید: "آنچه از روایات به دست می آید حرام بودن غنا و... به غنای دوران بنی امیه اشاره دارد، از جمله غنای زنان آواز خوان که کلام باطل بر زبان جاری می کردند و... حرام است" (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ۲۱). و در جای دیگر می فرماید: "جایز است قرآن را با غنا خواندن و روایاتی که در مورد نهی از غنا آمده است، در مورد آوازهای اهل گناه و فسق است که در زمان امامان، این نوع غنا در میان خلفای اموی و عباسی و مردم فاسق رواج داشته است" (فیض کاشانی، ۱۳۷۶ش، ۶۲).

بعضی عالمان به دلیل دو دسته روایات در باب غنا بنا بر قاعده "الجمع مهما ممکن اولی من الطرح" به جمع بندی آنها پرداخته اند. محقق سبزواری در این باره می فرماید: "به نظر ما در حرمت غنا اختلاف نیست و روایاتی که دلالت بر حرمت آن دارند بسیار است... ولی روایاتی وجود دارد که جایز است و بلکه مستحب است قرآن را با غنا خواندن، پس جمع بندی این روایات این است که غنای لهوی که زنان آواز خوان در مجالس گناه می خوانند و حتی قرآن را با آن لحن بخوانند، حرام است" (سبزواری، ۸۵ و ۸۶).

و نیز روایاتی که توصیه به نوعی شادی و صدای خوش در مجالس عروسی شده است. "قال اجتاز نبی (ص) بدار علی بن هبار فسمع صوت دف. فقال: ماهذا

قالوا علی ابن هبار عرس باهله حسن هذا النکاح لا السفاح ثم قال (ص) اشدیوا بالنکاح و اعلنوه بینهم و اضربو علیه بدف، فجرت السنه فی النکاح بذاک" (همان)، پیامبر از در خانه علی بن هبار می گذشت، صدای دایره شنید، پرسید این سرو صدا چیست؟ گفتند: عروسی علی بن هبار است. پیامبر فرمود: این برای ازدواج نیکوست، نه برای کارهای بیهوده. ازدواج را محکم بگیرید و بین خودتان اعلام کنید و در آن دایره بزیند و این را سنت از دواج قرار دهید.

اساساً اینکه انسان از شعری خوشش بیاید یا از آوازی لذت ببرد، در اسلام حرام نیست.

حتی نمی توان هر ترجیع (چرخاندن) صوت در گلو را غنا دانست. زیرا روایت زیر که امام باقر (ع) می فرمایند "و رجع بالقرآن صوتک فان الله عزوجل یحب الصوت الحسن یرجع فیه ترجیعاً" (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، باب قرائت قرآن) قرآن را با ترجیع بخوانید.

در روایتی آمده است: "سال رجل علی بن الحسین (ع). عن شراء جاریه لها صوت، فقال: ما علیک لو اشتیرتها فذکرکت الجنه" (الحر العاملی، ۱۴۰۳ق، ص ۸۶)، شخصی از امام درباره خریداری کنیزی آوازه خوان سوال کرد، امام فرمود مانعی ندارد چون تو را با خواندنش به یاد بهشت می اندازد. یا روایتی که از امام نقل شده است: "سالته عن الغنا، هل یصلح فی الفطر والاضحی و الفرح قال (ع) لا یاس به مالم یعص به" (همان، ۸۵)، از غنا و آواز در عید فطر و قربان و شادی ها پرسیدم، امام فرمود: مادامی که به گناه منجر نشود، مانعی ندارد. صاحب مفتاح الکرامه روایات متعارض غنا را شامل ۱۲ روایت را بر مباح بودن و ۲۵ روایت را بر حرام بودن دانسته است و نیز صاحب مسالک می نویسد در هر دو دسته از روایات صحیح وجود دارد و باید بین آنها جمع کرد. استثنا شدن برخی از انواع غنا شامل حکم حرام، مانند غنا در عروسی ها، گویای آن است که غنا دو قسم لهوی و غیرلهوی است.

برخی دیگر از فقیهان از شیوه دیگر که غنای عرفی غیر از غنای شرع است، به تفکیک غنای حلال و حرام پرداخته اند؛ از جمله محدث کاشانی و محقق سبزواری فرموده اند: "غنا در عرف دو قسم است: قسمی غنای لهوی است که شرع آن را حرام اعلام کرده است و قسمی غیر لهوی که مانعی ندارد".

و امام خمینی (ره) می فرمایند: "عبارت کاشانی ظاهر است و بلکه صراحت دارد در این که غنا دو قسم است: یک قسم آن ذاتاً حرام است و قسم دیگر حلال" (خمینی، ۱۳۶۸، ۲۱۰).

عالم بزرگ سید محمد ابراهیم بحرانی که خود در فن موسیقی دست داشته، می نویسد: "ما و همه کسانی که به تقصیل نظر داریم، یعنی غنا را دو قسم، غنای حلال و غنای حرام قائلیم، می گوئیم غنای ممنوع صداهای لهوی بوده که کنیزکان خوش صدا از خود در می آورده اند و مردان فاسق آنان را همراهی می کرده اند و با دایره و امثال آن تزیین می شده است" (معرفت ۱۴۲۱ق، ۲۰۷).

اختلاف نظر در دیدگاه های عالمان دینی در این موضوع، ناشی از شیوه احتیاطی برخی از فقها در مقام بیان احکام موضوعات - که با شرایط زمانشان منافاتی نداشت - سبب شد که آراء و نظریات کارشناسی دقیق و علمی در شناخت موضوعات و حوادث واقعه براساس منابع معتبر و به دور از عوامل ذهنی و خارجی مورد بررسی قرار نگیرد، پس بر ظاهر روایات بدون توجه به دسته معارض با آنها، جمود شده و حتی از تجدید نظر خودداری گشت. موسیقی غنایی از مصادیق بارز این سخن است، زیرا فقیهی که خود کارشناس نیست و یا از نظر فرد متخصص استفاده نمی کند، در مقام استنباط دارای شیوه احتیاطی است" (جناتی، ۱۳۷۵، ۱۳۶).

حکم شرعی وقتی به صراحت بیان می شود که موضوع و عنوان کاملاً

روشن و مشخص باشد و در این مورد آنچه فقها استناد کرده اند، رجوع به کتاب های لغت و نیز گاه اطلاعی که از مجالس خوشگذرانی درباریان و وابستگان آنها داشته اند، حکم به حرمت داده اند که به راستی موضعگیری بجا و بیان درستی بوده است.

۳- دیدگاه تفصیل بین غنای شهوانی و مبذول و غنای غیر شهوانی فقهایی مانند شیخ طوسی (شیخ طوسی، ۶۲). علامه بحرانی و از معاصرین امام خمینی و آیت الله خویی، نظر آنها این است که دیدگاه دوم همان دیدگاه سوم است. مبنای آنها "اصاله الحلیه و اصاله البرائه" می باشد و از علمای معاصر مانند آیت ا... سیستانی و آیت ا... تبریزی همین دیدگاه را دارند که نظر آنها بر این است همه چیز حلال است و منعی ندارد، آنچه که حرام است دلیل می خواهد. مبنای اصاله الاحتیاط و مبنای اصاله الحلیه متفاوت است (جناتی، ۱۳۷۵)

بنابر دیدگاه اول هر نوع استفاده از آلات موسیقی مانند خرید و فروش، نگهداری، آموزش و یادگیری حرام است و بنابر دیدگاه دوم و سوم آلات موسیقی مختص لهوی حرام ولی آلات مشترک به منظور استفاده حلال و مشروع اشکال ندارد.

می توان جمع بندی بین دیدگاه های سه گانه فوق نمود و آن عبارت است از: غنا که در شرع موضوع حرمت قرار گرفته با غنا در عرف به کار می رود کاملاً یکی نیست غنا به مفهوم شرعی (خاص) با غنا به مفهوم عرفی (عام) متفاوت است. یعنی هر غنای شرعی همان غنای عرفی نیست بعضی غناها در عرف هست که غنای شرعی حرام نمی باشد.

معیار های موسیقی حلال و حرام

با بررسی آیات و روایاتی که به نحوی با موسیقی ارتباط دارد، به خصوص روایاتی که ناظر بر موسیقی های مربوط به دربار اموی و عباسی بوده است، می توان ملاک هایی را به دست آورد که به طور کلی هر موسیقی با کلام و آواز و بی کلام، اصیل یا تلفیقی و... در صورتی که حائز ویژگی های زیر باشد، حرام است:

۱- اشعار عاشقانه به معنای جنبه های جنسی آن که در میان اشراف و درباریان رواج داشته و توسط مردان زن نما، کنیزان خوش صدا و یا نوجوانان خوش صدا خوانده می شده است؛

۲- خوانندگی همراه با رقص و نوازندگی با ابزارهای موسیقی؛

۳- هر نوع موسیقی با حضور مشترک زنان و مردان در مجالس عیش و نوش؛

۴- موسیقی مناسب مجالس شرابخوارگی، قمار و به طور کلی مجالس فسق و فجور و گناه؛

۵- موسیقی لهوی، لهو چیزی است که موجب انحراف انسان از مسیر الهی و معنویت و یاد خدا باشد و او را در ارتکاب گناه بی پروا کند به طوریکه در برخورد با گناه اصلاً یاد خدا نباشد یا یاد خدا برایش آنقدر ضعیف شده باشد که او را نتواند از گناه باز دارد و این وضعیت به واسطه موسیقی باشد.

۶- موسیقی که موجب اشاعه فحشا شود و انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند؛

۷- موسیقی که محتوی و اشعار آن باطل و ناحق باشد؛

۸- موسیقی ای که انسان را به بی حالی، سرخوردگی، و اخوردگی، انزوا، گوشه گیری، نومیدی، یاس و سرانجام خودکشی بکشاند؛

۹- موسیقی به گونه ای باشد که انسان را از حال طبیعی خارج و موجب زوال عقل گردد.

باید توجه داشت موسیقی ای که لغو باشد، یعنی آنچه هدف عقلایی نداشته باشد، و بیهوده باشد، نمی توان حرام دانست زیرا هر لغوی حرام نیست.

مجموع ویژگی های فوق در سه محور اصلی است:

روشن و مشخص باشد و در این مورد آنچه فقها استناد کرده اند، رجوع به کتاب های لغت و نیز گاه اطلاعی که از مجالس خوشگذرانی درباریان و وابستگان آنها داشته اند، حکم به حرمت داده اند که به راستی موضعگیری بجا و بیان درستی بوده است.

با وجود این، نوع دیگری از موسیقی کمتر امکان بروز داشته است. روایات مربوط به موسیقی عموماً معطوف به موسیقی دربارهای اموی و عباسی و... بوده که مسلماً این گونه موسیقی های درباری با آن مجالس تناسب داشته است. شیخ انصاری در خصوص غنا، بین جنبه حکمی و جنبه موضوعی آن قائل به تفاوت گردیده است؛ به این بیان که غنا از حیث حکم، تا زمانی که در مصداق خارجی با یکی از عناوین حرام مثل لهو و باطل متحد نگردد، ذاتاً و فی نفسه حرام نیست. اما از نظر موضوعی ایشان عقیده دارد که غنا در صدق خارجی از عناوین حرام تفکیک ناپذیر است.

به نظر بعضی از علمای معاصر، فرض تساوی دائمی غنا با لهو و تفکیک ناپذیر بودن این دو در خارج، حدسی است که این فقیه برجسته گمان آن را برده است (معرفت، ج ۵، بحث "غنا").

آیت ا... خویی می فرمایند: در تحقق و صدق خارجی غنا، وجود و تلازم دو امر ضروری است: نخست ماده و کلام آواز، باطل و لهوی باشد، دوم اینکه هیات و صورت صدا مشتمل بر کش و قوس و ترجیع باشد و با منتفی شدن هر کدام از این دو رکن، غنا نیز محقق نمی شود، لذا صدای زیبا در قرائت قرآن و مرثی غنا نیست (شاهرودی، ۲۳۸). ولی امام خمینی در این راستا می فرمایند: "ماده کلام در صدق مفهوم غنا دخیل نیست، لذا در حصول غنا تفاوتی نمی نماید که کلام آواز باطل یا حق یا حکمت یا قرآن یا مرثیه ای برای یک مظلوم باشد، زیرا غنا اصطلاح خاصی در شرع نبوده، حقیقت شرعیه ندارد تا دخالت ماده در مفهوم و تحقق آن مفروض باشد" (خمینی، ۱۳۶۸، ۲۰۳).

منشا اختلاف غالب کسانی که غنا را در مفهوم شرعی آن حرام دانسته ولی غنای در عرف را اعم از غنای در شرع می دانند (مانند آیت الله خویی) و کسانی که غنا در مفهوم شرعی و عرفی آن را تفاوت قائل نبوده و آن را به دو نوع حلال و حرام تقسیم کرده اند (مانند امام خمینی) آن است که گروه اول غنا را حقیقت شرعیه دانسته اند و اصل بودن حقیقت شرعیه را پذیرفته اند. ولی گروه دوم غنا را حقیقت شرعیه نمی دانند و اصل بودن حقیقت شرعیه را نپذیرفته اند.

دیدگاه فقها و عالمان دینی درباره غنا و موسیقی

۱- حرمت مطلق غنا که مشهور بین فقها است.

شیخ صدوق، شیخ مفید، ابن ادریس، صاحب جواهر، شیخ انصاری با تفسیری خاص خود، و صاحب جواهر فرموده: از ضروریات مذهب شیعه حرمت غنا است و از علمای معاصر مرحوم آیت ا... گلپایگانی و آیت ا... بهجت همین دیدگاه را دارا می باشند، مبنای آنها احتیاطی بودن (اصاله الاحتیاط) است و به روایت زیر استناد می کنند. "الغنی مما قال... عروجل من الناس من یشری لهو الحدیث لیضل عن سبیل... بغیر علم و تتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین" (الحرالعالمی، ۲۲۶).

۲- عدم حرمت غنا و حرام شدن آن به واسطه گناهان مقارن با آن بوده است. فقهایی مانند محدث کاشانی و محقق سبزواری بر این نظر هستند که گناهانی مانند میگساری، اختلاط زن و مرد و شهوترانی، موجب حرمت غنا می شود. استناد آنها به روایاتی که می گوید قرآن را با غنا بخوانید "لیس منا من لم یتغن بالقرآن" (مجلسی، ۲۵۵). "سالته عن الغنا هل یصلح فی

موسیقی مشکوک

به طور کلی می توان گفت در هر موردی که یقین داشتیم موسیقی لهوی یا حرام است خواه موسیقی ایرانی باشد یا غربی، با آهنگ باشد یا با کلام، اجتناب از آن واجب است مانند موسیقی های شهوانی و برعکس، هر مورد که یقین داشتیم موسیقی غیر لهوی است مانند سرودهای انقلابی و رزمی، در این صورت جایز است و مانعی ندارد. اما اگر چنین یقین و علمی پیدا نکردیم، چه از جهت مثبت بودن و منفی بودن آن، بنابر قاعده مشهور اصولی که در شبهات حکمیه، یعنی جایی در حکم یک موضوع شک داریم، اصل برائت جاری میشود یعنی اشکال ندارد و حلال است.

حتی فقیهانی که غنا را به طور مطلق حرام دانسته اند، حکم به حلال بودن موسیقی های مشکوک داده اند "در شبهه (مورد مشکوک) موضوعی که بازگشت آن به شبهه حکمی است، اصل مباح بودن و جایز بودن است" (نجفی، ۴۷). عموماً فقیهان بزرگ در غنا و بسیاری موضوعات به عرف ارجاع داده اند البته عرف به تنهایی دلیل مستند در برابر کتاب و سنت و اجماع و عقل محسوب نمی شود بلکه اعتبار آن منوط به کاشفیت از امضاء شارع است که در این صورت در سنت داخل می شود. ولی پس از توجه به ملاک هایی که ذکر آن گذشت، انطباق آهنگ و موسیقی و صدا با عرف سنجیده می شود.

صاحب جواهر می نویسد: "الغناء کیفیه خاصه موكوله الی العرف" (نجفی، ص ۴۶). البته محقق اردبیلی و شهید ثانی نیز در آثار خویش شبیه این مطالب را نوشته اند (ابن علی، ۱۳۶۷، ۲۲۳). امام خمینی هم تشخیص موسیقی مطرب و صداهای مشکوک را برعهده عرف می دانند (ایرانی، ۱۳۷۰، ۱۱۲).

اول: آهنگ؛ اگر آهنگ طرب آور و رقص آور باشد، میل به شهوترانی و انحراف را ایجاد می کند، حرام است. البته هر آهنگ طرب آور حرام نیست ولی اگر به حدی باشد که انسان را از حال طبیعی خارج و موجب زوال عقل گردد حرام است.

دوم: محتوای آهنگ و اصطلاحاً ماده غنا؛ اگر محتوی آن لهو و باطل و منفی و زشت باشد، حرام است.

سوم: شرایط آهنگ؛ اگر تناسب با مجالس فسق و فجور و گناه داشته باشد، حرام است.

اصطلاحاً موسیقی با چنین شرایطی را موسیقی لهوی یا غنای لهوی می نامند. در فتاوی علمای معاصر موسیقی ای که مناسب مجالس لهو و عیاشی و یا موجب مفسده باشد، حرام است و غیر آن حرام نیست.

اکثر موسیقی های سنتی و محلی ایرانی و غیر ایرانی و نیز موسیقی های کلاسیک و سمفونی های غربی از نوع موسیقی و غنای لهوی حرام نیست.

در مورد همخوانی خانم ها و یا خانم ها و آقایان در موسیقی ها و تواشیح اگر به گونه غنای حرام نباشد یعنی تحریک جنسی و شهوانی نداشته باشد و مناسب مجالس گناه نباشد و به طور کلی مفسده ای نداشته باشد اشکال ندارد و اکثر عالمان معاصر بدان فتوا داده اند (آیت الله سیستانی، (Sistani.org) غناء، ش ۶، آیت الله تبریزی، الاستفتاءات س ۱۰۴۹، ۱۰۵۸، ۱۰۷۵ و آیت الله خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۴۵).

در مورد خوانندگی و نیز مداحی خانم ها نیز همان قاعده کلی و معیارهای بیان شده صادق است یعنی صدای خوب و آواز همراه آهنگ حرام نیست ولی اگر صدای آنان در معرض ریبه، تلذذ، تحریک شهوانی باشد، یا به عنوان ثانوی، و یا به عنوان غنای لهوی حرام می باشد و برخی عالمان معاصر تصریح کرده اند گوش دادن به آواز زن اگر غنا نباشد و باعث التذان جنسی و تهییج شهوت نشود و مفسده ای بر آن مترتب نگردد اشکال ندارد (همان).

نتیجه گیری

در جمع بندی نهایی می توان گفت هر موسیقی و غنا، ایرانی، غربی با صدا و آواز، بدون صدا با استفاده از هر نوع ابزار موسیقی با ویژگی های زیر حرام است و در غیر این صورت مانعی ندارد.

- ۱- موسیقی مبتذل و تحریک کننده جنسی
- ۲- موسیقی مجالس رقص و گناه
- ۳- موسیقی مجالس عیش و نوش
- ۴- موسیقی موجب فساد
- ۵- موسیقی که چنان انسان را از خدا غافل نماید یا آنکه یاد خدا برایش ضعیف شده که نتواند او را از گناه باز دارد.
- ۶- موسیقی محتوی اشعار باطل و ... حرام است.

در همه موارد فوق این عرف عام است که تشخیص دهنده موسیقی و غنای حلال و حرام می باشد در موارد مشکوک که عرف عام یا افکار عمومی دچار شک و تردید گردد برائت جاری می شود و مانعی ندارد.

عالمان دینی سه دیدگاه را مطرح کرده اند :

الف- حرمت مطلق غنا و به روایت زیر استناد می کنند. "الغنی مما قال... عروجل و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل... بغير علم وتتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهین" (الحرالعاملی، ۲۲۶).

ب- عدم حرمت غنا و حرمت آن به واسطه گناهان مقارن با آن استناد آنها به روایاتی که می گوید قرآن را با غنا بخوانید "لیس منا من لم یتغن بالقرآن" (مجلسی، ۷۶، ۲۵۵)، "سالته عن الغنا هل یصلح فی الفطروالاضحی والفرح قال (ع) لا یاس به ما لم یعص به" (الحرالعاملی، ۲۲۶).

ج- تفصیل میان غنای مبتذل یا حرام و غیر آن و جمع بندی دو دسته روایات که در گروه الف و ب آورده شد که بر حرمت و حلیت دلالت می نماید و نیز تفکیک در معنای عرفی و شرعی غنا که معنای عرفی آن اعم از معنای غنا در استعمال شرع می باشد.

فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- ابراهیمی، نادر (۱۳۷۸)، چیستی هنر، تدوین سید عباس نبوی، مرکز پژوهش‌های نهاد، قم.
- ابشیهی (ابوالفتح)، احمد بن علی (۱۴۰۹ق)، المستطرف، الشریف الرضی، ج ۲، قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، امالی، کتابخانه اسلامی، تهران.
- ابن علی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۳۶۷)، مسالك، نشر دانشگاهی، تهران.
- ابن منظور (۱۲۰۰ق)، لسان العرب، دارصادر، ج ۱۵، بیروت.
- اخوان الصفا (۱۳۷۴)، رسایل اخوان الصفا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱، تهران.
- افلاطون (۱۳۴۸)، زیبایی، ترجمه دکتر حسن لطفی، ابن سینا، تهران.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۲)، مکاسب، اسماعیلیان، قم.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۲)، تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ایرانی، اکبر (۱۳۷۰)، هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی، سازمان تبلیغات، تهران.
- برکشلی، مهدی (۱۳۵۷)، اندیشه‌های علمی، فارابی در باره موسیقی، فرهنگستان ادب و هنر، تهران.
- بینش، محمد تقی (۱۳۸۲)، شناخت موسیقی ایران، دانشگاه هنر، تهران.
- تولستوی، لئون (۱۳۷۳)، هنر چیست، ترجمه کاوه دهگان، امیر کبیر، تهران.
- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۵)، هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی، در مجله کیهان اندیشه، شماره ۶۸، قم.
- جنیدی، فریدون (۱۳۷۲)، زمینه شناخت موسیقی ایران، انتشارات پارت، چاپ دوم، تهران.
- الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسایل الشیعه، مکتب الاسلامیه، ج ۱۲، تهران.
- الحویزی، عبد علی (بی تا)، نور الثقلین، اسماعیلیان، ج ۳، قم.
- خالقی، روح... (۱۳۵۲)، سرگذشت موسیقی ایران، صفی علیشاه، ج ۲، تهران.
- خالقی، روح... (۱۳۷۳)، نظری به موسیقی، صفی علیشاه، تهران.
- خمینی، روح... (۱۳۶۸)، مکاسب محرمة، اسماعیلیان، ج ۱، قم.
- الخورزمی، ابی عبدالله (۱۳۴۲)، مفاتیح العلوم، قاهره.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۸ق)، منهاج الصالحین، الادب، نجف.
- خویی، ابوالقاسم (بی تا)، منیه السائل، چاپ سوم، قم.
- دانشور، سیمین (۱۳۵۷)، شناخت و تحسین هنر، چاپ اول، تهران.
- راجر کیمی، ین (۱۳۷۷)، درک و دریافت موسیقی، ترجمه حسین یاسینی، نشر چشمه، تهران.
- راهگانی، روح انگیز (۱۳۷۶)، تاریخ موسیقی جهان، پیشرو، تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵)، جامعه، احساس و موسیقی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- روشن روان، کامبیز (۱۳۷۶)، موسیقی شناسی، جزوه درسی دانشکده سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- رید، هربرت (۱۳۷۴)، معنی هنر، ترجمه نجف دریا بندری، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، تهران.
- سبزواری، محقق محمد باقر (بی تا)، کفایه الاحکام، (بی تا)، اصفهان.
- شاهرودی، سید علی (بی تا)، محاضرات فی الفقه، قم.
- شعبانی، عزیز (۱۳۵۲)، تاریخ موسیقی، چاپخانه مصطفوی، ج ۱، شیراز.
- شیخ طوسی (بی تا)، استبصار، ج ۳، قم.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، انتشارات اسلامی، ج ۱۶، قم.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۹ق)، قاموس المحيط، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۴، بیروت.
- فیض کاشانی، محمد حسن (۱۳۷۶ش)، تفسیر صافی، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۱، قم.
- فیض کاشانی، محمد حسن (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشرایع، مجمع الذخائر الاسلامیه، ج ۲، قم.
- القیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق)، مصباح المنیر، دارالهجره، ج ۲، قم.
- قریب، محمد حسین (۱۳۶۴)، تاریخ موسیقی، هنر و فرهنگ، تهران.
- قندی، دکتر سیاوش (۱۳۷۸)، چیستی هنر، تدوین سید عباس نبوی، مرکز پژوهش‌های نهاد، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، دارالکتاب الاسلامی، قم.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، جلد ۷۶، قم.
- مسعودی، علی بن الحسین (بی تا)، مروج الذهب، دارالمعرفه، ج ۱، بیروت.
- مسعودیه، محمد تقی (۱۳۶۵)، موسیقی شناسی تطبیقی، انتشارات سروش، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، فطرت، انتشارات صدرا، چاپ دوم، تهران.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۲۱ق)، التمهید فی علوم القرآن، موسسه نشر اسلامی، ج ۵، قم.
- ن.کولوسووا (۱۳۶۵)، مقدمه ای بر شناخت موسیقی، ترجمه علی اصغر چار لاقی، نشر سپیده، ج ۲، تهران.
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام، مکتبه الاسلامیه، ج ۲۲، قم.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۶۶)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ج ۲، تهران.